

رابطه شب قدر با امام عصر(عج)

خداوند متعال در چهارمین آیه سوره مبارکه قدر می‌فرماید: تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم من كل أمرف...



خداوند متعال در چهارمین آیه سوره مبارکه قدر می‌فرماید: تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم من كل أمرف. فرشتگان و روح، در آن شب به دستور پروردگارشان با هر فرمانی (برای تقدیر هرکاری) فرود آیند. فعل مضارع ⅱ تنزل؛ دلالت بر تکرار و بقای ⅱ لیلیة القدر؛ دارد، و در آیات سوم و چهارم سوره دخان نیز: فيها یفرق کل أمرف حکیم. ۱ در آن شب، هر فرمانی، برحسب حکمت صادر می‌شود. دلالت بر تجدد و دوام دارد. زیرا هیأت نحوی باب ⅱ تفعل؛ اگر دلالت بر پذیرش یا تکلف یا هر دو می‌نماید. ظاهر این فعل‌ها، خبر از تفریق و تنزل امر در لیلیة القدرهای آینده می‌دهد. این امر که در زمان رسول خدا(ص) به آن حضرت نازل می‌شده‌است، در هر شب قدر، باید بر کسی نازل و تبیین و تحکیم یا کشف شود که به افق نبوت نزدیک و پیوسته باشد.

قبول اصل وصایت رسول اکرم(ص) و امامت، ناشی از این معنی و مبتنی بر همین اساس است. هنگامی که کسی قرآن را بعنوان کلام خدا پذیرفت به این معنی که همه سوره‌ها و آیات آن را پذیرفته است و یک مسلمان واقعی هم کسی است که تسلیم همه آیات قرآن باشد، پس هر مسلمانی الزاماً باید سوره قدر، و از آن سوره شب قدر، و استمرار آن را تا قیامت بپذیرد و لازمه پذیرفتن آن، آیه (تنزل الملائكة ...) که هر فرد با ایمانی ناگزیر از قبول آن است، این است که بپذیرد که در شب قدر فرشته‌ها و روح از جانب پروردگار با هر امری فرود می‌آیند و این امر یک متولی و ولی می‌خواهد که متولی و ولی آن امر باشد. اینکه خداوند در آیات سوم و چهارم سوره دخان می‌فرماید: در آن شب هر فرمانی، برحسب حکمت صادر می‌شود؛ فرمانی از جانب ما، و ما همواره فرستنده آن بوده‌ایم. دلالت بر تکرار و تجدید فرق و ارسال در آن شب دارد و به این معنا که آن شب، فرشتگان و روح، در هر سال، دائماً نازل می‌شوند؛ پس باید به طور مدام شخصی بعنوان ⅱ ولی؛ این امر باشد که به سوی او نازل و ارسال گردند که او همان ولی جهان و جهانیان خواهد بود؛ و هم اوست که اطاعتش بر همگان واجب است. به همین سبب، هرکس ادعا کرد که من ولی امر هستم، باید ثابت کند که این امر توسط فرشتگان و روح بر او نازل شده و می‌شوند، و چون هیچ کس جز پیامبر و اوصیای معصومینش(ع) نمی‌توانند مدعی این امر باشند و اساساً هم نیستند، باید از اوصیا و پیامبر همواره کسی باشد که در شب قدر توسط روح و فرشتگان از جانب یزدان هر امری بر او نازل شود. آیه مورد بحث، یکی از مستدل‌ترین آیات قرآن کریم بر ضرورت وجود همیشگی یک ولی امر از جانب خداست که امین بر حفظ و اجزا و ادای امر الهی باشد، و آن همان امام معصوم(ع) است.

و هرکس نزول پیوسته فرشتگان و روح را در شب قدر بپذیرد که اگر به قرآن ایمان دارد باید بپذیرد، ناگزیر باید ولی امر را هم بپذیرد و گرنه کافر به بعضی از آیات قرآن خواهد بود، که در آن صورت چنین کسی بنا بر بیان خود قرآن کریم کافر واقعی است. چنانکه خداوند در آیات ۱۵۰ و ۱۵۱ سوره نساء می‌فرماید: إن الذین یکفرون بالله و رسله و یریدون ان یفرقوا بین الله و رسله و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض و یریدون أن یتخذوا بین ذلک سبیلاً* أولئک هم الکافرون حقاً و أعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً. کسانی که به خدا و پیامبران خدا کافر شده‌اند و می‌خواهند بین خدا و رسولانش جدایی اندازند و می‌گویند به برخی ایمان می‌آوریم و به بعضی کافر می‌شویم و می‌خواهند در این میان (بینابین) اتخاذ کنند، اینان حقا کافرنند و ما برای کفرکیشان عذاب خوارکننده‌ای مهیا کرده‌ایم. و می‌بینید که خداوند، کسانی را که پاره‌ای از آیات خدا را بپذیرند و برخی را نپذیرند، کافر حقیقی می‌داند.

بنابراین مؤمن حقیقی کسی است که هم استمرار لیلیة القدر را تا قیامت پذیرا باشد و هم وجود حجت زمان و ولی امر، و امام معصومی که امر الهی را دریافت می‌کند و امین بر آن در جهت پاسداری، به کار بستن و ادا باشد، قبول کند؛ یعنی همان بزرگواری که در زمان وجود مقدس بقیة الله الاعظم حضرت مهدی(عج) می‌باشد و به همین سبب پیامبر خاتم(ص) بنا بر آنچه شیعه و سنی از آن حضرت نقل کرده‌اند، فرمودند: من أنکر المهدی فقد کفر. ۲. کسی که وجود مهدی را انکار کند، رهسپار دیار کفر شده است.

و در کتب شیعه، از این قبیل احادیث فراوان است، و از آن جمله، از امام صادق(ع) و آن حضرت از پدر ارجمندشان و از آن طریق از جد عالیقدرشان و از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که فرموده‌اند: القائم من ولدی اسمه إسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و ستنه سنتی یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوهم إلی کتاب الله عزوجل، من أطاعه أطاعنی و من عصاه عصانی، و من أنکره فی غیبه فقد أنکرنی، و من کذب فقد کذبنی، و من صدقه فقد صدقنی، إلی الله اشکو المکذبین لی فی أمره، و الجاهدین لقولی و المضلین لأمتی عن طریقته و سیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون. ۱. قائم از فرزندان من است اسم او اسم من ⅱ محمد؛ و کنیه او، کنیه من ⅱ ابوالقاسم؛ و سیمای او سیمای من و سنت او سنت من است، دین و آیین و ملت و شریعت مرا در بین مردم برپا می‌دارد و آنان را به کتاب خدای عزوجل فرامی‌خواند. کسی که او را طاعت کند، مرا پیروی کرده و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است و کسی که او را در دوران غیبتش انکار کند، تحقیقاً مرا انکار کرده و کسی که او را تکذیب کند هر آینه مرا تکذیب کرده و کسی که او را تصدیق کند، هر آینه مرا تصدیق کرده است. از آنها که مرا درباره او تکذیب کرده و گفتار مرا در شأن او انکار می‌کنند و امت مرا از راه او گمراه می‌سازند، به خدا شکایت می‌برم. بزودی آنها که ستم کردند و می‌دانند که بازگشتشان به کجا

است و سرنوشتشان چگونه است (و چگونه در دگرگونی‌ها مجازات ستمگری‌های خود را در دنیا و آخرت خواهند دید). در این حدیث شریف انکار و تکذیب امام عصر، ارواحنا فدا، انکار و تکذیب پیامبر به حساب آمده است، و در نتیجه همه پیامبران را انکار کرده، که همان رهسپاری به وادی کفر خواهد بود.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیری درباره نزول فرشتگان و روح، در شب قدر می‌گوید: فرشتگان و روح القدس، در شب قدر، بر امام زمان (ع) نازل می‌شوند و آنچه را از مقدرات سالانه بشر، نوشته‌اند، به او تقدیم می‌دارند.

و همین محدث مورد وثوق از حضرت امام باقر (ع) نقل کرده، که وقتی از حضرتش پرسیدند: آیا شما می‌دانید که لیلۃ القدر کدام شب است؟ حضرت فرمودند: چگونه ندانیم، و حال آنکه در شب قدر فرشتگان برگرد ما طواف می‌کنند. ۳

حضرت امام سجاد (ع)، در این باره، می‌فرمایند: همانا سال به سال در شب قدر تفسیر و بیان کارها، بر ولی امر (امام زمان (ع)) فرود می‌آید.

و نیز آن حضرت (ع) فرموده‌اند: ای گروه شیعه، با سورة 171؛ انا انزلناه فی لیلۃ القدر؛ با مخالفان امامت ائمه معصومین (ع) مخاصمه و مباحثه (و اتمام حجت) کنید تا کامیاب و پیروز شوید، به خدا که آن سوره، پس از پیغمبر اکرم (ص) حجت خدای تبارک و تعالی است بر مردم، و آن سوره آقای دین شماسست و نهایت دانش و آگاهی ماست. ای گروه شیعه، با 171؛ حم و الکتاب المبین؛ انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة اناکنا منذرین؛ مخاصمه و مناظره کنید، زیرا این آیات مخصوص والیان امر امامت بعد از پیامبر اکرم (ص) است.

همچنین از رسول اکرم (ص) نقل شده است، که به اصحابشان فرموده‌اند: به شب قدر ایمان بیاورید، زیرا آن شب برای علی بن ابی‌طالب (ع) و یازده نفر از فرزندان او پس از من خواهد بود.

از آنچه که نگارش یافت، استفاده می‌شود که شب قدر تا قیامت باقی است و در هر شب قدر هم ولی امر و صاحب امری هست که آن امر را دریافت دارد، که در زمان ما صاحب آن امر صاحب بزرگوار ما حضرت حجة بن الحسن المهدی، ارواحنا فدا، است و برای آنکه بهتر بدانیم که لیلۃ القدر بیانگر مقام شامخ ولایت اهل بیت (ع) و امامت آنان تا روز رستاخیز می‌باشد. حدیثی را هم که در بخش فضیلت‌های حضرت فاطمة زهرا (س) است، ملاحظه می‌کنیم که در آن به طور کنایه از آن بانوی عظیم القدر تعبیر به لیلۃ القدر شده است و آن در تفسیر فرات بن ابراهیم از حضرت صادق (ع) نقل شده که فرموده‌اند: 171؛ ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم؛ 171؛ شب قدر؛ فاطمه و 171؛ قدر؛ خداست، پس کسی که فاطمه (س) را آنگونه که باید، بشناسد، شب قدر را درک کرده است.

و این اشاره به مقام ولایت آن بانوی معصوم (س) نیز دارد. و از طرفی، همانگونه که در شب قدر امر حق بر امام به حق فرود می‌آید، نزول‌گاه نور پاک امامان معصوم (ع) نیز وجود مقدس فاطمة زهرا (س) است؛ که حقیقتاً هرکس آن بانو را شناخت و به عظمت مقام فرزندان معصومش و همسر مظلوم و معصومش پی‌برد، شب قدر را درک کرده است.

نویسنده: علی اکبر رضوانی

*برگرفته از: تحقیقی درباره لیلۃ القدر و رابطه آن با امام عصر، ارواحنا فدا، صص ۱۴۹ - ۱۳۲، با تلخیص. پی‌نوشت‌ها:

۱. سورة دخان (۴۴)، آیه ۴.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۱؛ منتخب الاثر فصل ۱۰، ب ۱، ج ۱، ص ۴۹۲.

۳. علامه مجلسی، همان، ج ۵۱، ص ۷۳؛ منتخب الاثر فصل ۲، ب ۳، ج ۴، ص ۱۸۳.

۴. امراء هستی، ص ۱۹۰؛ تفسیر القمی، ص ۷۳۱؛ علامه مجلسی، همان، ج ۹۷، ص ۱۴، ج ۲۳.